

پژوهش‌نامه نقد وهابیت؛ سراج منیر ♦ سال هفتم ♦ شماره ۲۵ ♦ بهار ۱۳۹۶
صفحات: ۱۴۴-۱۲۷ ♦ تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۳۰ ♦ تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۱۲/۲۲



نقد مقاله «تبصیر المحاجج بالفرق بین رجال الدولة الإسلامية والخوارج»

رضا احمدزاده*

چکیده

با پژوهش در تاریخ اسلام و شناخت سیره خوارج روشن می‌شود که آنان دارای افکاری بسته و برداشت‌هایی غلط از اسلام و قرآن و خلافت الهی بودند. جدا شدن از عموم مسلمانان و قتل آنها، دو وصف اساسی خوارج بوده است که داعش نیز در این دو وصف، با خوارج اشتراک دارد و هیچ‌گاه افتراقات کوچکی که داعش برای تبرئه خود اقامه می‌کند، موجب تمایز بین دو گروه نمی‌شود. داعش همانند خوارج، حق را منحصر به خود می‌داند و مخالف خود را دشمن اسلام می‌نامد و شهر مسلمانان را به دارالکفر بودن حکم می‌دهد. در این نوشته با توجه به مقاله ترکی بن علی که مبنی بر عدم شباهت داعش و خوارج نگاشته شده است، روشن می‌شود که استدلال‌های ترکی بن علی سست و بی‌اساس است و داعش در اوصاف اصلی خود، پیرو خوارج اولیه است.

کلیدواژه‌ها: داعش، خوارج، تکفیر، کشتار مسلمانان، جدایی از مسلمانان.

* دانش‌پژوه مؤسسه دار الإعلام لمدرسة أهل البيت (علیهم‌السلام) و مؤسسه کلام امام صادق (علیه‌السلام).

Reza.00313@gmail.com

مقدمه

خوارج مسلمانانی تندرو بودند که در قرن نخست اسلام و پس از جنگ صفین و قضیه حکمیت ظهور کردند و بر امام علی علیه السلام خروج نمودند. این افراد که از اکثر مسلمانان جدا شده بودند، گروهی را تشکیل دادند و نزد مسلمانان به نام «خوارج» معروف شدند.

ویژگی بارز و اصلی آنها کشتن مسلمانان و مباح دانستن خون آنها، جدا شدن از مسلمانان و خروج از ضروریات دین بوده است. غرور، نادانی، سطحی‌نگری، ضعف ایمان، تعصب و خشونت از شاخصه‌های بعدی این گروه است.^۱

در قرن حاضر گروهی تروریستی و سلفی به نام «داعش» ظهور کرده است که اصل و ریشه آن از وهابیت سرچشمه می‌گیرد و دست به جنایاتی می‌زند که شباهت‌های فراوانی با جنایات خوارج صدر اسلام دارد. اساساً به دلیل همین جنایات بوده است که علمای صدر اسلام آنها را به عنوان خوارج (خارج‌شده از دین) معرفی کردند. ابوهمام بکر بن عبدالله اثری^۲ مقاله‌ای با نام «تبصیر المحاجج بالفرق بین رجال الدولة الإسلامية والخوارج»^۳ نگاشته است که در چاپ حاضر، ۲۲ صفحه و دو فصل (تفاوت‌های اصلی و تفاوت‌های فرعی) دارد و در پی اثبات این نظریه است که داعش پیرو همان خوارج صدر اسلام است. نگارش پیش‌رو نیز به همان سبک مقاله ابوهمام اثری و در نقد آن نگاشته شده است.

مقالات و کتاب‌هایی که پیش‌تر در این زمینه نگارش شده‌اند، مانند الوهابیون خوارج

۱. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج ۱۲، ص ۲۸۳؛ بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ج ۹، ص ۱۶، ح ۶۹۳۰؛ نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۲، ص ۷۴۶، ح ۱۰۶۶؛ ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند الإمام أحمد بن حنبل، ح ۱۲۸۸۶.

۲. نویسنده این مقاله، ترکی بن علی معروف به ابوهمام اثری است که در سال ۱۹۸۴م، در شهر محرق بحرین متولد شد. وی علوم دینی را نزد عبدالله بن جبرین، ابومحمد مقدسی و عمر حدوشی گذراند و در جوانی پاسخ‌گوی احکام شرعی در یک برنامهٔ رادیویی شد. ابوهمام پیش از سال ۲۰۰۷م به عدن می‌رود و به القاعدهٔ عربستان می‌پیوندد. او در سال ۲۰۱۳م به لیبی مسافرت می‌کند و به زیرشاخهٔ داعش در لیبی ملحق می‌شود. او همچنین در سال ۲۰۱۵م به سوریه می‌رود و در همان سال، مسئولیت شرعی داعش را عهده‌دار و در مجلهٔ «النباء» با اسم مستعار ابوهمام اثری مشغول به کار می‌شود؛ تا اینکه در سال ۲۰۱۷م در حملهٔ نیروهای آمریکایی به شهرستان رقه در غرب سوریه کشته می‌شود. مؤلف، سیزده اثر دارد که به‌جز مقاله فوق، از مهم‌ترین آنها «شروط و موانع التکفیر» و «مد الایادی لیبیة البغدادی» است.

۳. نشر الغرباء للاعلام، چاپ اول، ۱۴۳۵ق.

أم السنة نوشته نجا طائی و خوارج الأولى و الآخرة نوشته خالد محیی الدین حلیبی، علیه وهابیت بوده‌اند و آنها را پیرو خوارج اولیه می‌دانستند؛ اما تنها نگاشته به زبان فارسی در مورد داعش، کتابی با نام خوارج و داعش نوشته علی اصغر خندان است که به بررسی تطبیقی بر مبنای اندیشه‌های استاد مطهری می‌پردازد؛ ولی هیچ‌کدام از این موارد، ناظر به مقاله ترکی بن علی نبوده است. نوشته حاضر به‌طور خاص در ردّ «تبصیر المحاجج بالفرق بین رجال الدولة الإسلامية والخوارج» کار شده است که به دلیل رویکرد غیرشیعی مقاله یادشده، اثرگذاری بیشتری در جوامع اهل سنت خواهد داشت.

نگاشته ابوهمام جدید است و درصدد پاسخ به ردیه‌های قبلی علیه داعش بوده است؛ اما نگاشته پیش‌رو، پاسخی به استدلال‌های جدید داعش است. این مقاله در پی اثبات این است که مبانی ترکی بن علی بی‌اساس است و ضرورت طلب می‌کند که چنین اثری نگاشته شود؛ زیرا ممکن است با پخش مقاله ابوهمام اثری، نوشته‌های قبلی که علیه داعش نگاشته شده‌اند، بی‌اثر جلوه کنند و شائبه بی‌اساس بودن مطالب قبلی پیش بیاید؛ پس با پاسخ به مقاله ابوهمام، این شائبه نیز از بین می‌رود.

جهت پاسخ به این مقاله ابتدا شاخصه و معیارهای تعریف خوارج بیان می‌شود تا مشخص شود که می‌توان داعش را «خوارج» نامید یا خیر؟

خوارج

نصوص دینی، معتبرترین معیار در تعریف خوارج است که در سنت نبوی به تفصیل به بیان آن پرداخته شده است؛ بلکه این تفصیل درباره صفات خوارج، در مورد هیچ فرقه دیگری دیده نمی‌شود. این امر، نشان از هشدار به امت و دلسوزی برای آنهاست؛ زیرا خطر انحراف فکری و انحراف روشی در استفاده از نصوص، بسیار زیاد است؛ ولی خطر بزرگ‌تر، تطبیق این افکار بر امت اسلامی است. این مشکل وقتی به فاجعه تبدیل می‌شود که افراد زیادی به علت نوعی تعبد خاص و شعارهای زیبایی که سر می‌دهند، به سرعت فریب این انحرافات را می‌خورند و گروهی دیگر از مردم هم به امید اینکه

اعتقاد، افکار و اعمال آنها صحیح است، از آنها تبعیت می‌کردند.

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند:

مسلمانان را می‌کشند و بت پرستان را رها می‌سازند.^۱

در میان شما قومی ظهور می‌کند که مردم از کثرت عبادت آنها تعجب می‌کنند و

آنان خودشان را از دیگر مسلمانان برتر می‌بینند.^۲

نصوص شرعی، صفات خوارج را تنها خروج بر امام مسلمان یا تکفیر مرتکب گناه

کبیره ندانسته است، بلکه بیشتر بر دو چیز تأکید شده است:

۱. کشتن مسلمانان و مباح دانستن خون آنها؛

۲. خروج از ضروریات احکام دین و جدا شدن از مسلمانان.

از روایات بالا استفاده می‌شود که گروهی پس از رسول الله ﷺ ظهور می‌کند که از

اسلام خارج می‌شوند، مسلمانان را می‌کشند، شعارهای زیبا سر می‌دهند؛ ولی در فهم

معنای آن جهل دارند و دچار اشتباه شده‌اند. اینها از ویژگی‌های خوارج صدر اسلام است.

در ادامه به پاسخ بخش اول از مقاله ابوهمام اثری می‌پردازیم که به ادعای خود، در

این بخش تفاوت‌های اصلی داعش با خوارج را برشمرده است.

تفاوت‌های اصلی داعش و خوارج از دیدگاه ابوهمام

مؤلف در این بخش از مقاله «تبصیر المحاجج بالفرق بین رجال الدولة الإسلامية

والخوارج» به تفاوت‌های اصلی و کلیدی بین داعش و خوارج اشاره کرده و در تلاش

است که نشان دهد بین داعش و خوارج، افتراقاتی اساسی وجود دارد. خوارج و تکفیر

مرتکب گناه کبیره، تکفیر عموم مسلمانان، خروج بر امام مسلمان سه ادعای ابوهمام

اثری در مقاله خویش است.

۱. «يَقْتُلُونَ أَهْلَ الْإِسْلَامِ وَيَدْعُونَ أَهْلَ الْأَوْتَانِ». (ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری شرح صحیح البخاری،

ج ۱۲، ص ۲۸۳؛ نووی دمشقی، یحیی بن شرف، شرح النووی علی مسلم، ج ۷، ص ۱۶۴).

۲. «إِنَّ فِيكُمْ قَوْمًا يَعْبُدُونَ وَيَدْعُونَ، حَتَّى يَعْجَبَ بِهِمُ النَّاسُ، وَتُعْجِبَهُمْ نَفْسُهُمْ، يَمُرُقُونَ مِنَ الدِّينِ مُرُوقَ الشَّهْمِ مِنَ الزَّمِيَةِ».

(ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۱۲۸۸۶).

ادعای اول: خوارج و تکفیر مرتکب گناه کبیره

ادعای اول ابوهمام برای جدا کردن داعش از خوارج این است که خوارج به تکفیر مرتکب گناه کبیره معتقد هستند؛ ولی ما [داعشی‌ها] چنین اعتقادی نداریم. هر بی‌خردی نیز می‌داند که داعش و پیروانش مرتکب گناه کبیره را تکفیر نمی‌کنند. آنان اعتقاد به خلود این افراد در جهنم را نمی‌پذیرند و شفاعت را در حق آنها صحیح می‌دانند؛ بلکه تمام جهان اسلام اقامه حد (مثلاً برای زانی) توسط داعش را با چشم خود می‌بیند. اگر داعش پیرو همان خوارج صدر اسلام بود، خون زانی را حلال می‌دانست و دیگر اقامه حد معنا نداشت.^۱

پاسخ

تکفیر مرتکب گناه کبیره، حال غالب نزد خوارج بوده است. نزد آنها مواردی نیز یافت می‌شود که مرتکب گناه کبیره را تکفیر نکرده‌اند؛ مانند زنا، محصنه که خوارج، مرتکب آن را تکفیر نمی‌کردند. ابن حجر عسقلانی می‌گوید: «خوارج رجم زانی محسن را رد می‌کنند».^۲ همان‌گونه که خوارج مرتکب برخی گناهان کبیره را تکفیر می‌کردند و مرتکب برخی دیگر را تکفیر نمی‌کردند، داعش نیز در مواردی مثل زنا تکفیر نمی‌کند؛ ولی در مواردی مثل فرار از جنگ که گناهی کبیره محسوب می‌شود، با تکفیر پاسخ می‌دهد و سربازان فراری از جنگ را تکفیر می‌کند و به اشکال گوناگونی مانند پرتاب از بلندی یا آتش‌زدن، به قتل می‌رساند.^۳

گروهی از خوارج هستند که مرتکبان گناه کبیره را تکفیر نمی‌کنند؛ مانند فرقه «نجدات» که به اتفاق همه علما از بزرگ‌ترین انشعابات خوارج بود^۴ و مرتکب گناه کبیره را کافر نمی‌دانستند. ابوالحسن اشعری برای تبیین عقیده خوارج می‌نویسد: «نجدات، یکی

۱. اثری، ابوهمام، تبصیر المحاجج بالفرق بین رجال الدولة الإسلامية والخوارج، ص ۸.

۲. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج ۱۲، ص ۱۴۳.

۳. «جنایتی دیگر از داعش؛ اعدام ۳۰ نوجوان به جرم فرار از صحنه نبرد»، سایت باشگاه خبرنگاران جوان، ۷ دی ۱۳۹۴، آدرس:

<http://www.yjc.ir/fa/news/5442910>

۴. نک: یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۶۸؛ ابن اثیر، علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۲۳.

از فرقه‌های خوارج، مرتکب گناه کبیره را کافر نمی‌داند.^۱ در نتیجه، داعش نیز همانند خوارج، برخی از مرتکبان گناه کبیره را تکفیر می‌کند و برخی دیگر را تکفیر نمی‌کند.

ادعای دوم: تکفیر عموم مسلمانان

ابوهمام اثری تفاوت دوم داعش با خوارج را تکفیر عامه مسلمانان می‌داند که خوارج مرتکب آن شده‌اند؛ ولی به‌زعم او، داعش هیچ‌گاه چنین کاری را انجام نداده است. او می‌نویسد:

ابوالحسن اشعری در مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین می‌آورد: «فرقه ازارقه (یکی از فرقه‌های خوارج) معتقد بودند که هر کسی که در دارالکفر باشد، کافر است و باید علیه آنها خروج کرد.»^۲ و از معتقدات دیگر آنها این است که «زمانی که امام کافر شد، عموم مردم چه غایب باشند چه حاضر، کافر می‌شوند».^۳

اما بزرگان دولت اسلامی در عراق و شام به‌شدت منکر این امر هستند و در مقابل آن سکوت نکرده‌اند و با آن مقابله می‌کنند. ابومحمد عدنانی، شیخ رسمی دولت اسلامی (داعش) می‌گوید: «به داعش نسبت داده‌اند که دولت اسلامی، اصل در مردم را کفر می‌داند. این نسبت صحیح نیست و اعتقاد ما و منهج ما این است که تمام اهل سنت در عراق و شام مسلمان هستند و هیچ‌کدام از آنها را تکفیر نمی‌کنیم؛ مگر اینکه ارتداد شخصی با ادله شرعی قطعی ثابت شود».^۴

پاسخ

هر فرقه‌ای که مسلمانان را به ناحق تکفیر کند و ریختن خون آنها را حلال بداند، می‌تواند در زمره خوارج قرار بگیرد. دیدگاه چند تن از علما برای اثبات این مدعا در ادامه ذکر می‌شود:

قرطبی می‌گوید: «خوارج به آن دلیل خوارج نامیده شدند که به تکفیر مسلمانانی

۱. اشعری، علی بن اسماعیل، مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین، ج ۱، ص ۸۶؛ به‌نقل از: اثری، ابوهمام، تبصیر المحاجج بالفرق بین رجال الدولة الإسلامية والخوارج، ص ۸.

۲. همان، ج ۱، ص ۸۸؛ به‌نقل از: همان.

۳. همان.

۴. اثری، ابوهمام، تبصیر المحاجج بالفرق بین رجال الدولة الإسلامية والخوارج، ص ۸.

حکم می‌دادند که در مقابل آنها قیام می‌کردند. خوارج معتقد بودند که ریختن خون مسلمانان حلال است»^۱.

ابن تیمیه می‌نویسد:

بیشترین چیزی که در دین و آیین خوارج یافت می‌شود، جدا شدن از جماعت مسلمانان و مباح دانستن خون و مال مسلمانان است.^۲

آنها [خوارج] خون اهل قبله را بیشتر از خون کافران حلال می‌دانند؛ به این اعتقاد که آنها مرتد شده‌اند.^۳

ابن عبدالبر می‌گوید: «خوارج قومی بودند که به وسیله تفسیرهای باطل از کتاب خداوند، خون مسلمانان را مباح می‌دانستند و مرتکبان گناه کبیره را تکفیر می‌کردند و بر آنها شمشیر می‌کشیدند»^۴.

اما هر کسی که بدون تعصب به رفتار داعش نگاه کند، مطابقت کامل داعش و خوارج صدر اسلام را به وضوح می‌بیند.

از سخنان بزرگان اهل سنت روشن است که خوارج از مسلمانان جدا شدند، در مقابل مسلمانان قیام کردند و خون و مال آنها را مباح می‌دانستند. داعش نیز از این امر مبزاً نیست و همان گونه که در کشورهای اسلامی آهنگ جدایی سر می‌دهد، از تکفیر کسی که مقابل آنها باشد نیز کوتاهی نمی‌کند.

برای نمونه می‌توان به کتاب دلایل و بینات بر کفر اعضای درع الفرات، نوشته ابوالحسن ترکی و ابوالبراء کردی، در سایت داعش با نام «مکتبة الموحدين» اشاره کرد که افراد و گروه‌های معارض با خود را از اسلام خارج می‌دانند و تکفیر می‌کنند. در اینجا به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

یکی از کفریات بزرگ و ارتداد واضح گروه‌های معارض سوری، شرکت در عملیات «درع الفرات»^۵ است. این عملیات با همکاری، پشتیبانی، تعاون و تنسيق

۱. قرطبی، احمد بن عمر، المفهم، ج ۹، ص ۸۴.

۲. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، مجموع الفتاوی، ج ۱۳، ص ۲۰۹.

۳. همان، ج ۲۸، ص ۴۹۷.

۴. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستذکار، ج ۲، ص ۴۹۹.

۵. به معنای سپر فرات. «درع الفرات» نام عملیاتی است که کشور ترکیه با همکاری آمریکا و برخی گروه‌های مسلح سوری، در

حکومت ترکیه و با هماهنگی با هواپیماهای صلیبی صورت می‌گیرد. این عمل کفر و ارتداد و خروج از ملت اسلام است.^۱

نویسندگان این کتاب در ادامه نیز، چهار گروه صحوات شام، جبهة النصره، جیش الفتح و جبهة جولانی را کافر می‌خوانند.

و در جای دیگری از همین کتاب می‌گویند:

برای همگان آشکار شد که جماعت‌های شرکت‌کننده در عملیات «درع الفرات»

دچار نواقضی از نواقض اسلام شده‌اند که بارزترین آنها عبارت است از: ۱. کمک به امریکا و ترکیه علیه مسلمانان [داعش]؛ ۲. تغییر حکم الله به حکم غیرالله.^۲

آنها در ادامه جملاتی از اسامه بن لادن، ابوقتاده فلسطینی و ابومحمد مقدسی که از چهره‌های شناخته شده هستند، نقل می‌کند و با استناد به سخنان آنها شرکت‌کنندگان در عملیات درع الفرات و گروه‌های معارض داعش را به صراحت تکفیر می‌کند.

داعش مخالفان خود را دشمن می‌داند و آنان را تکفیر می‌کند؛ ولو اینکه تا مدتی قبل با هم همکاری می‌کردند. درحالی‌که بین افراد همین گروه‌های معارض نیز احتمال جهل یا تأویل وجود دارد؛ ولی داعش حکم تکفیر معین نسبت به همه آنها جاری می‌کند.

یکی دیگر از افکار داعش که از اعتقادات یقینی و قطعی نزد داعش است، مقدم کردن قتل اهل قبله بر دشمنان قسم‌خورده اسلام است. این مورد در بیشتر کتاب‌های داعش با عبارت «قتال العدو القریب، أولى من قتال العدو البعید» یا عبارت «قتال الکافر المرتد، أولى من قتال الکافر الأصلي» یافت می‌شود.^۳

این در باب عقاید بود؛ ولی در افعال، بهترین شاهد بر شوق داشتن برای ریختن خون مسلمانان، حوادثی است که در کشورهای اسلامی مانند عراق و سوریه رخ می‌دهد؛ انتحارهایی که بین مردم بی‌گناه، زنان و کودکان صورت می‌دهند یا نمازگزاران را در مسجد به خاک و خون می‌کشند.

تاریخ ۲۴ آگوست ۲۰۱۶م، علیه داعش در شمال سوریه آغاز کرد.

۱. ترکی، ابوالحسن و ابوالبراء کردی، دلایل و بینات بر کفر اعضای درع الفرات، ص ۶.

۲. همان، ص ۲۰.

۳. سباعی، هانی، عدوه القریب، ص ۴؛ فرج، محمد عبدالسلام، الجهاد؛ الفریضة الغائبة، ص ۱۴.

ادعای سوم: خروج بر امام مسلمان

ابوهمام اثری دلیل سوم خود را برای تفاوت گذاشتن بین داعش و خوارج این می‌داند که خوارج در مقابل امام مسلمانان خروج کردند؛ ولی دولت اسلامی مرتکب چنین عملی نشده است.

مؤلف مقاله ادامه می‌دهد که شهرستانی در کتاب الملل و النحل آورده است: «خوارج معتقد بودند در صورتی که امام مسلمانان مخالف سنت عمل کند، خروج علیه او واجب است». ^۱ همچنین ابوالحسن اشعری در مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین می‌نویسد: «خوارج اعتقاد داشتند که خروج بر سلطان ستمگر جایز است». ^۲ این در حالی است که دولت اسلامی عراق و شام چنین اعتقادی ندارد؛ بلکه داعش علیه حاکمان طاغوت خروج و قیام می‌کند؛ مانند نوری مالکی شیعی در عراق و بشار اسد نصیری در سوریه. ^۳

پاسخ

پاسخ به این ادعا در سه محور مطرح می‌شود:

الف. ابوهمام باید در مقاله خود اثبات می‌کرد که به‌عنوان مثال چرا آقای نوری مالکی شیعی طاغوت است؛ و اینکه هر حاکم شیعه‌ای را طاغوت بخوانیم، خود ادعای بدون دلیل است.

ب. اگرهم بتوان حاکم عراق و سوریه را حاکم فاسق و فاجر معرفی کرد، اهل سنت خروج بر حاکم را به‌شدت نهی می‌کنند. در اینجا به چند دیدگاه از بزرگان اهل سنت اشاره می‌کنیم:

۱. مقدسی پس از اینکه نظر خود را در کتاب الآداب الشرعية مطرح می‌کند، نظر

احمد بن حنبل را نقل کرده است:

احمد بن حنبل گفت: «شما قلباً می‌توانید حاکم جائر را انکار کنید؛ ولی دست از

۱. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، الملل و النحل، ص ۵۴.

۲. اشعری، علی ابن اسماعیل، مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین، ج ۱، ص ۱۵۶.

۳. اثری، ابوهمام، تبصیر المجاهج بالفرق بین رجال الدولة الإسلامية والخوارج، ص ۸.

اطاعت او برنارید، در بین مسلمانان تفرقه نیاندازید و خون خود و مسلمانان را نریزید». همچنین مروذی نیز می‌گوید: «از احمد بن حنبل شنیدم که به حفظ جان دستور می‌داد و از خروج، به شدت نهی می‌کرد».^۱

۲. محیی‌الدین نووی در شرح خود بر صحیح مسلم، پس از نقل روایت «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ بَعَثَ جَيْشًا وَأَمَرَ عَلَيْهِمْ رَجُلًا فَأَوْقَدَ نَارًا» می‌نویسد: «خروج بر حاکمان به اجماع مسلمانان حرام است؛ اگرچه فاسق و فاجر باشند».^۲

۳. ابوالولید باجی در کتاب النصيحة الولدية، خطاب به فرزندان خود چنین می‌گوید: فالتزام الطاعة وملازمة الجماعة فإن السلطان الجائر الظالم ارفق بالناس من الفتنة؛^۳

ای فرزندان من، ملتزم به اطاعت از سلطان و جماعت باشید؛ زیرا سلطان ظالم با مردم مداراتر از این است که فتنه شود.

تا اینجا دیدگاه تعدادی از علمای اهل سنت بیان شد و روشن گردید که از دیدگاه آنها خروج بر حاکم جایز نیست؛ هرچند ظالم و ستمگر باشد.

علاوه بر دیدگاه اهل سنت، سلفی‌های وهابی نیز که به‌نوعی مرجع فکری داعش محسوب می‌شوند، با خروج بر حاکم مسلمان موافق نیستند و از این کار منع می‌کنند. ابن عثیمین در کتاب لقاء الباب المفتوح، خروج بر حاکم جائز را در صورت قدرت برکناری و عدم ترتب مفسده جایز می‌داند؛ ولی اگر مفسده بزرگ‌تری در قیام حاصل شود، خروج بر حاکم را جایز نمی‌داند.^۴

ج. اگر سخن ابوهمام اثری را بپذیریم که حاکم عراق و سوریه کافر و طاغوت هستند، بازهم بزرگانی از سلفیه، خروج بر حاکم کافر را جایز نمی‌دانند. می‌توان به سخن مقبل بن هادی وادعی استناد کرد که در کتاب خود تحفة المجیب علی أسئلة الحاضر والغریب، در پاسخ به اینکه آیا خروج بر حاکم جایز است یا خیر، چنین پاسخ می‌دهد:

خروج بر حاکم، فتنه قلمداد می‌شود و موجب ریختن خون‌های زیاد و در نتیجه

۱. مقدسی، محمد بن مفلح، الآداب الشرعية والمنح المرعية، ج ۱، ص ۱۹۶.

۲. نووی دمشقی، یحیی بن شرف، شرح النووی علی مسلم، ج ۱۲، ص ۲۲۹.

۳. باجی، سلیمان بن خلف، النصيحة الولدية، ج ۱، ص ۳۱.

۴. ابن عثیمین، محمد بن صالح، لقاء الباب المفتوح، ج ۵۱، ص ۱۹، سؤال ۱۲۲۲.

باعث ضعف مسلمانان می‌شود؛ حتی اگر حاکم کافر باشد. تاریخ اهل سنت از گذشته تاکنون نشان می‌دهد که هیچ‌یک از علما خروج بر حاکم را جایز نمی‌دانستند و در این زمان نیز خروج بر حاکم کافر را با شرایط ویژه‌ای جایز می‌دانند. پس اگر جاهل هستند باید یاد بگیرند وگرنه به منگری مبتلا می‌شوند که از حکومت کافر بر مسلمانان بدتر است و نباید موجب ریختن خون مسلمانان شود.^۱

حاصل این عبارت این است که نه بر مبنای اهل سنت و نه حتی بر مبنای خود سلفی‌ها خروج بر حاکم مسلمان جایز نیست؛ بلکه وادعی خروج بر حاکم کافر را فتنه می‌داند. در نتیجه، بر اساس سخنان علمای اهل سنت و بزرگان سلفی، خروج بر حاکم اگر مفسده بزرگ‌تری در پی داشته باشد و باعث فتنه شود، جایز نیست؛ ولی عمل داعش علیه نوری مالکی در عراق و علیه بشار اسد در سوریه، یکی از مصادیق همین مفسده است که خون بسیاری از مسلمانان بی‌گناه در این دو کشور را پایمال کردند و خرابی‌ها و ویرانی‌های فراوانی برجا گذاشتند.

تفاوت‌های فرعی داعش و خوارج از دیدگاه ابوهمام

ابوهمام پس از آنکه به ادعای خود، تفاوت‌های اصلی داعش و خوارج را بیان کرد، به ذکر تفاوت‌های داعش و خوارج در فروع می‌پردازد. وی برای نشان دادن وجود تفاوت بین داعش و خوارج، به مواردی همچون جهل خوارج در اصول و فروع دین، و تراشیدن کامل سر استناد کرده است. در ادامه به دو مورد از مهم‌ترین ادعاهای ابوهمام اشاره می‌کنیم و به نقد آنها می‌پردازیم:

ادعای اول: جهل در اصول و فروع دین

ابوهمام در این ادعا جهل به اصول و فروع دین را یکی از تفاوت‌های داعش و خوارج می‌داند. او ادعا می‌کند که داعش، عالم به اصول و فروع دین است و برای مطلب خود، در ابتدا صفات خوارج را می‌نویسد:

در کتاب صحیح مسلم روایت شده است که علی بن ابی طالب (علیه السلام) از رسول

۱. وادعی، مقبل بن هادی، تحفة المجیب علی أسئلة الحاضر والغریب، ص ۲۲۷ و ۲۲۸.

خدا ﷻ نقل می‌کنند: «در آخرالزمان گروهی ظهور خواهد کرد که نوجوانان و بالغانی بی‌خردند که بهترین سخنان را بر زبان می‌آورند؛ ولی ایمانشان از حنجره‌هایشان فراتر نمی‌رود».^۱

نووی می‌نویسد: «قرآن را تلاوت می‌کردند؛ ولی از حنجره‌هایشان تجاوز نمی‌کرد؛ یعنی در آن تفقه نمی‌کردند و از تلاوت آن بهره‌ای نمی‌بردند و چیزی جز تلاوت با دهان، حنجره و حلق نصیب آنها نمی‌شد».^۲

ابن تیمیه می‌گوید: «در نشانهٔ جهل و نادانی خوارج همین بس که همانند بقیهٔ فرقه‌های ضاله، تألیفاتی ندارند».^۳

ابوهمام در ادامه بیان می‌دارد که این جملات، نشان‌دهندهٔ شأن و جایگاه خوارج است؛ ولی شأن دولت اسلامی و افرادش برعکس این است. چه کسی کتاب‌های سلفیه را وارد عراق کرد؟ چه کسی عقود شرعی را در شام گسترش داد؟ آیا کسی دیگری جز دولت اسلامی بوده است؟ «هیئت اعلامیه» که تابع دولت اسلامی است به کلام ابن تیمیه عمل کرده است و می‌گوید که قوام دین به کتاب هدایت‌گر و شمشیر نصرت‌کننده است؛ «وَكَفَى بِرَبِّكَ هَادِيًا وَنَصِيرًا».^۴

پاسخ

قتل نماینده و فرستاده در زمان پیش از اسلام مورد مذمت بود و اسلام نیز بر مذمت آن تأیید کرده است. در کتاب مسند الإمام أحمد بن حنبل و کتاب سنن أبي داود نقل شده است که وقتی دو فرستادهٔ مسیلمهٔ کذاب، نامهٔ مسیلمه را نزد پیامبر اسلام ﷺ آوردند، رسول الله ﷺ پس از خواندن نامه رو به دو فرستاده کردند و فرمودند: «عقیده شما چیست؟» آن دو پاسخ دادند: «همان نظر مسیلمه است». پیامبر ﷺ فرمودند: «به خدا قسم، اگر از کشتن فرستادهٔ دشمن منع نشده بودم، گردن هر دوی شما را می‌زدم».

۱. نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۲، ص ۷۴۶، ح ۱۰۶۶؛ به نقل از: اثری، ابوهمام، تبصیر المحاجج بالفرق بین رجال الدولة الإسلامية والخوارج، ص ۱۲.

۲. نووی دمشقی، یحیی بن شرف، شرح النووي علی مسلم، ج ۷، ص ۲۲۴؛ به نقل از: همان.

۳. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، مجموع الفتاوی، ج ۱۳، ص ۴۸؛ به نقل از: همان.

۴. سوره فرقان، آیه ۳۱.

ابوداود تصريح دارد که البانی این روایت را صحیح می‌داند.^۱

هنگامی که خوارج عبدالله بن خباب و همسر حامله‌اش را سر بریدند و سه زن دیگر از قبیله «طی» را به قتل رساندند،^۲ خبر به امام علی (ع) رسید. ایشان برای تحقیق از صحت و سقم اخبار مزبور و وضعیت خوارج، فرستاده مخصوصی به نام حارث را به سوی آنان گسیل داشتند. برخلاف انتظار و برخلاف آداب اسلامی و انسانی، که نمایندگان از مصونیت برخوردارند، خوارج سفیر حضرت را نیز به شهادت رساندند.^۳ دولت اسلامی نیز که خود را عالم به اصول و فروع دین می‌داند، با کشتن سفیران صلح به خداوند تقرب می‌جویند؛ حتی اگر آنان از اهل قبله باشند. مانند جلال بایری، رئیس هیئت شرعی در ساحل سوریه که سفیر صلح بین داعش و گروه «کتائب الهجرة إلى الله» بود که داعش او را به قتل رساند.^۴

اگر داعش جهل نداشته است، یعنی با علم به حرمت کشتن فرستاده دشمن، دست به چنین جنایتی زده است و مخالفت علنی با اسلام کرده است. حداقل باید پذیرفت که این مخالفت داعش با آموزه‌های اسلامی و حتی انسانی، همانند رفتار خوارج، از جهل به اصول و فروع دین نشأت می‌گیرد. نکته مهم اینکه بسیاری از افرادی که در شورای اصلی هدایت داعش بودند و هستند، از بعضی‌ها و تحصیل کرده‌های رشته فنی و مهندسی یا افراد تازه‌مسلمانی هستند که اطلاع چندانی از مبانی اسلام ندارند.

۱. ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۱۵۹۸۹: سجستانی، ابوداود سلیمان بن اشعث، سنن أبي داود، ج ۲۷۶۱.

۲. ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۷، ص ۴۵۲؛ ابن اثیر، علی بن محمد، الكامل في التاريخ، ج ۵، ص ۸۱؛ ج ۲، ص ۴۳؛ خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۲۰۵.

۳. ابن اثیر، علی بن محمد، الكامل في التاريخ، ج ۵، ص ۸۲؛ ج ۲، ص ۴۰۳؛ ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم، الإمامة و السياسة، ج ۱، ص ۱۶۸.

۴. مزمر الشام، «تفاصيل مقتل الشيخ جلال بايرلي على يد سفاح داعش أبو أيمن العراقي»، سایت تویتر، ۱۰ نوامبر ۲۰۱۳م، آدرس:

<https://twitter.com/saleelalmajd/status/39964242246314240?lang=ar>

همچنین: احمد، یوسف بن عبدالله، «فتوی: في بيان قضية مقتل جلال بايرلي»، سایت JustPaste، ۲۵ ژانویه ۲۰۱۴، آدرس: <https://justpaste.it/jalal2014>

ادعای دوم: خوارج سر خود را می تراشیدند

مؤلف ادعای دوم خود را تفاوت در موهای سر می داند که خوارج موهای خود را می تراشیدند؛ ولی داعشی ها به سنت عمل می کنند و موهای خود را بلند می گذارند. ترکی بن علی برای اثبات کلام خود چنین می آورد که ابوسعید خدری از پیامبر ﷺ روایت می کند:

پیامبر ﷺ فرمودند: «گروهی از مردم از مشرق زمین قیام می کنند؛ قرآن می خوانند؛ ولی از حلقشان فراتر نمی رود. از دین چنان به سرعت بیرون می روند که تیر از شکار می گذرد. دیگر به دین باز نمی گردند؛ مگر اینکه تیر به جای اول خود بازگردد». سؤال شد: «قیافه آنها چگونه است؟» پیامبر ﷺ پاسخ دادند: «سرهای خود را می تراشند».^۱

ابن حجر عسقلانی می گوید: «خوارج سرهای خود را می تراشیدند. سلف موهای خود را بلند می گذاشتند؛ ولی خوارج عادت داشتند که سرهای خود را به طور کامل بتراشند».^۲ ابوهمام اثری می گوید که بر هیچ کسی مخفی نیست که افراد دولت اسلامی عراق و شام، موهای بلند و پرپشت دارند.^۳

پاسخ

اینکه موی تراشیده و موی بلند را نشانه افتراق و جدایی داعش و خوارج بدانیم، نوعی جهالت است. تراشیدن سر با اینکه علامت خوارج صدر اسلام بوده است ولی مقصود آنها از تراشیدن سر، نشانه ای برای جدا بودن از بقیه مسلمانان بوده است.

قرطبی می گوید: «سیماهم تحلیق؛ یعنی این را علامت جدایی از زینت دنیا قرار داده بودند و علامتی که با آن شناخته شوند».^۴ ابن تیمیه می نویسد: «این چهره خوارج اولیه بوده است؛ ولی وصف لازم برای تمام خوارج نیست».^۵

۱. اثری، ابوهمام، تبصیر المحاجج بالفرق بین رجال الدولة الإسلامية والخوارج، ص ۱۳.

۲. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج ۸، ص ۸۶.

۳. اثری، ابوهمام، تبصیر المحاجج بالفرق بین رجال الدولة الإسلامية والخوارج، ص ۱۴.

۴. قرطبی، احمد بن عمر، المفهم، ج ۳، ص ۱۱۴.

۵. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، مجموع الفتاوی، ج ۲۸، ص ۴۹۷.

این عمل آنها از علاقه به جدایی از عامه مسلمانان نشأت می‌گرفت و این خود نشانه خروج بر جماعت است. پس تراشیدن یا نتراشیدن مو نمی‌تواند ملاک باشد؛ بلکه جدایی از مسلمانان است که ملاک صدق خوارج یا عدم صدق آن است. در یک زمان با تراشیدن مو خود را از بقیه مسلمانان متمایز می‌کردند و امروز با ریش‌ها و موهای بلند تمایز خود را نشان می‌دهند.

مواردی که ابوهمام متذکر نشده است

برای هر مسلمانی روشن است که خوارج مرتکب مخالفت‌های بسیاری با اسلام شدند و از سیره و روش نبوی انحراف پیدا کردند. داعش نیز از این قضیه مستثنا نیست و مؤلف به برخی شباهت‌های داعش و خوارج پاسخی نداده است؛ یا به این دلیل که این شباهت‌ها را ندیده است یا شاید پاسخی برای آنها نداشته است. ما در ادامه، آنها را ذکر می‌کنیم:

۱. حکم شهر مسلمانان را همان حکم شهر کافران و مرتدان می‌دانند و هجرت از آن شهرها را نیز به مناطقی که تحت سیطره و نفوذ آنها باشد، واجب می‌دانند.

۲. داعش هر کسی را مخالف خود بداند، «صحوی»^۱ می‌نامد. داعش آنها را به خیانت متهم می‌کند و از کارگزاران دشمن معرفی می‌کند.

۳. قتل کسی را که با روش آنها مخالفت کند یا دولت خودساخته آنها را قبول نکند، حلال می‌دانند.^۲ آنان در میان مسلمانان به غارت، گروگان‌گیری، شکنجه و قتل دست می‌زنند. بمب‌های انتحاری خود را به‌سوی مردم گسیل می‌دارند و فرماندهان گروه‌های انقلابی و مجاهدان را به‌قتل می‌رسانند. فراخوان و اعلامیه برای جذب افراد در مقابله با مبارزان و مجاهدان سوریه و عراق صادر می‌کنند و مسلمانان را به‌واسطه اموری می‌کشند که دین حتی کشتن دشمن را به‌صرف این امور، منع می‌کند؛ همانند زندگی در کشور غیرمسلمان که داعش مسلمانان کشورهای غیراسلامی را «أعوان الظالم» می‌داند. تمام اینها شاهی بر گفته رسول الله ﷺ است که در مورد گروهی در آخرالزمان فرمودند:

۱. «صحویون» گروهی هستند که در مقابل حاکم و حکومت قیام می‌کنند.

۲. بغدادی، ابوعمر، «قُلْ إِنِّي عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي»، سایت نخبة الأعلام، آدرس:

<http://nokbah.com/~w3/?p=1264>

«اهل اسلام را می‌کشند و بت پرستان و مشرکان را به حال خود وا می‌گذارند».^۱

۴. از جماعت خارج شده‌اند و حق را در دیدگاه و روش خود منحصر می‌دانند. آنان در نهایت، ادعای خلافت نیز می‌کنند و بر همهٔ مسلمانان واجب می‌دانند که با آنها بیعت کنند. در پایان به پژوهشگران گرامی پیشنهاد می‌گردد که نوشته‌های دیگر ترکی بن علی را که یکی از نویسندگان فعال و پرکار داعش است، برای نقد انتخاب کنند و از این طریق به شبهات جدید داعش پاسخ دهند تا مانع نفوذ داعش در بین جوانان مسلمان گردند.

نتیجه

از روایات استفاده می‌شود که گروهی پس از رسول الله ﷺ ظهور می‌کند که از اسلام خارج می‌شوند، مسلمانان را می‌کشند، شعارهای زیبا سر می‌دهند؛ ولی در فهم معنای آن جهل دارند و دچار اشتباه شده‌اند. اینها از ویژگی‌های خوارج صدر اسلام است و می‌توان هر گروهی که این اعمال را مرتکب می‌شود، مصداق روایات نبوی دانست.

یکی از شباهت‌های داعش و خوارج، تکفیر به ناحق است و داعش، هم در گفتار و هم در عمل این تشابه را ظاهر کرده است. روایات زیادی بر حرمت خروج بر حاکم در منابع اهل سنت وجود دارد؛ ولی داعش همانند خوارج به این سنت پایبند نبوده است و در کشورهای اسلامی علیه حاکم قیام می‌کند و حتی از قتل فرستادهٔ صلح نیز ایابی ندارد. از دیگر اشتراکات داعش و خوارج در شعار است که هر دوی آنها سر می‌دهند. خوارج شعار «لا حکم إلا لله» و داعشی‌ها نیز شعار «من لم یحکم بما أنزل الله، فهو کافر» سر می‌دهند و به همین دلیل، مسلمانان را تکفیر می‌کنند و کشورهای اسلامی را کشورهای جاهلی می‌نامند.

در شباهت دو جریان، وجود مشابهت در برخی اعتقادات اصلی کافی است؛ بنابراین استدلال داعشی‌ها به برخی تفاوت‌های جزئی میان این دو گروه، حاصل چندانی نداشته است و در اصل موضوع، تفاوتی ایجاد نمی‌کند.

۱. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ج ۴، ص ۱۳۷، ح ۳۳۴۴؛ نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۲، ص ۷۴۱، ح ۱۰۶۴.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، **الإستذکار**، تحقیق: سالم عطا و محمد معوض، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
۳. ابن اثیر، علی بن محمد، **الکامل فی التاریخ**، تحقیق: ابوالفداء عبدالله قاضی و محمد یوسف الدقاق، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ پنجم، ۱۴۳۰ق.
۴. ابن تیمیہ، احمد بن عبدالحلیم، **مجموع الفتاوی**، جمع: عبدالرحمن بن قاسم، مدینہ: مجمع ملک فہد، ۱۴۱۶ق.
۵. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، **فتح الباری شرح صحیح البخاری**، بیروت: دار المعرفة، ۱۳۷۹ق.
۶. ابن حنبل، احمد بن محمد، **مسند الإمام أحمد بن حنبل**، تحقیق: شعیب الأرنبوط، بی جا: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
۷. ابن عثیمین، محمد بن صالح، **لقاء الباب المفتوح**، بی جا: بی نا، بی تا.
۸. ابن قتیبة دینوری، عبدالله بن مسلم، **الإمامة و السياسة**، تحقیق: خلیل منصور، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۸ق.
۹. اثری، ابوهمام، **تبصیر المحاجج بالفرق بین رجال الدولة الإسلامية والخوارج**، بی جا: نشر الغرباء للاعلام، چاپ اول، ۱۴۳۵ق.
۱۰. اشعری، علی بن اسماعیل، **مقالات الإسلامیین وإختلاف المصلیین**، تصحیح: هلموت ریتز، آلمان (شهر فیسبادن): دار فرانز شتایز، چاپ سوم، ۱۴۰۰ق.
۱۱. باجی، سلیمان بن خلف، **النصیحة الولدیة**، تحقیق: ابراهیم باجس عبدالمجید، ریاض: دار الوطن، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
۱۲. بخاری، محمد بن اسماعیل، **الجامع المسند الصحیح المختصر من أمور رسول الله وسننه وأیامه (صحیح البخاری)**، تحقیق: محمد زهیر الناصر، مدینہ: دار طوق النجاة، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۱۳. ترکی، ابوالحسن و ابوالبراء کردی، **دلائل و بینات بر کفر اعضای درع الفرات**، سلسله مقالات پژوهشی، سایت مکتبه الموحیدین، آدرس: <https://tohidbooks.wordpress.com/2016/11/30/> - حقیقت - سلسله مقالات - پژوهشی - حقیقت - مخالفان - دول
۱۴. خطیب بغدادی، احمد بن علی، **تاریخ بغداد**، تحقیق: دکتر بشار عواد معروف، بیروت: دار الغرب

- الإسلامي، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۱۵. سباعی، هانی، **عدوه القریب**، لندن: مرکز المقریزات للدراسات التاريخية، چاپ اول، ۱۴۳۶ق.
 ۱۶. سجستانی، ابوداود سلیمان بن اشعث، **سنن أبي داود**، تحقیق: محمد محیی الدین عبدالحمید، بیروت: المكتبة العصرية، بی تا.
 ۱۷. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، **الملل و النحل**، مصر: مکتب الانجلو، چاپ اول، بی تا.
 ۱۸. فرج، محمد عبدالسلام، **الجهاد؛ الفريضة الغائبة**، مصر: بی تا، ۱۹۸۱م.
 ۱۹. قرطبی، احمد بن عمر، **المفهم؛ لما أشكل من تلخیص کتاب مسلم**، بی جا: دار ابن کثیر و دار الکلم الطیب، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
 ۲۰. مقدسی، محمد بن مفلح، **الآداب الشرعية والمنح المرعية**، تحقیق: شعیب الأرنؤوط و عمر القیام، بیروت: مؤسسة الرسالة، چاپ دوم، ۱۴۱۷ق.
 ۲۱. نووی دمشقی، یحیی بن شرف، **المنهاج شرح صحيح مسلم بن حجاج (شرح النووي على مسلم)**، بیروت: دار إحياء التراث العربي، چاپ دوم، ۱۳۹۲ق.
 ۲۲. نیشابوری، مسلم بن حجاج، **المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله (صحيح مسلم)**، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت: دار إحياء التراث العربي، بی تا.
 ۲۳. وادعی، مقبل بن هادی، **تحفة المجيب على اسئلة الحاضر والغريب**، صنعاء: دار الآثار، بی تا.
 ۲۴. یعقوبی، احمد بن اسحاق، **تاریخ الیعقوبی**، قم: دار الزهراء، چاپ اول، ۱۴۲۹ق.

سایت ها

1. <http://www.yjc.ir/>
2. <https://justpaste.it/>
3. <https://nokbah.com>
4. <https://twitter.com/>